



درسنامه‌ی درس ۱۶:



زیارت



مفرت معصومه(ع):

معرفی:

- ♦ در مدینه به دنیا آمد. مدینه یکی از شهرهای مذهبی عربستان و محل تولد بیشتر امامان می‌باشد.
- ♦ **فرزند امام موسی کاظم(ع)** بود. (نکته: امام موسی کاظم(ع)، امام هفتم ما شیعیان بودند.)
- ♦ **خواهر امام رضا(ع)** و حضرت شاهچراغ(ع) بود. (نکته: امام رضا(ع)، امام هشتم ما شیعیان بودند.)
- ♦ **عمه‌ی امام علی النقی(ع)** بود. (نکته: امام علی النقی(ع)، امام نهم ما شیعیان بودند.)
- ♦ نام اصلی ایشان، **فاطمه** بوده است.
- ♦ لقب ایشان **معصومه** بوده است؛ دلیل نامیدن ایشان به **معصومه**، دوری از کارهای زشت و پرهیز از گناهان بوده است.

* نکته: معصومه یعنی پاک

- ♦ در قم از دنیا رفت.
- ♦ مرقد ایشان در شهر قم قرار دارد.

سرگذشت:

- وقتی ده سالشان بود پدرشان (امام موسی کاظم علیه السلام) توسط خلیفه‌ی ستمگر عباسی (هارون الرشید) به شهادت رسیدند و برادرشان(امام رضا علیه السلام) سرپرستی ایشان را به عهده گرفت.
- به خاطر تربیت و تعلیمات پدر و برادرشان که هر دو امام بودند، از ایمان و دانش بالایی برخوردار بودند و به مسائل و احکام دینی تسلط کامل داشتند به طوری که در موارد مذهبی زنان مدینه را راهنمایی می‌کردند.

وفات:

امام رضا(ع) به دعوت خلیفه‌ی آن زمان یعنی مأمون (پسر هارون الرشید) به خراسان آمدند. مدتی پس از آن حضرت معصومه (سلام الله علیها) که به برادر بزرگوارشان بسیار علاقه‌مند بودند، عازم سفری طولانی و دشوار به سمت خراسان شدند. در راه و در نزدیکی شهر ساوه بیمار شدند و از همراهانشان خواستند تا ایشان را به قم ببرند ولی متأسفانه چند روز پس از رسیدن به قم، در اثر بیماری از دنیا رفتند.

زیارتگاه:

ایشان را در قم به خاک سپردند. امروزه آرامگاه ایشان، زیارتگاه شیعیانی است که هر ساله از سرتاسر ایران و حتی کشورهای دیگر برای زیارت و ادای احترام به ایشان، به شهر قم سفر می‌کنند.



آداب زیارت:

- ۱ بهتر است با وضو باشیم.
- ۲ آرام و با احترام وارد حرم شویم.
- ۳ زیارت نامه بخوانیم.
- ۴ برای دیگران و خودمان دعا کنیم.
- ۵ دو رکعت نماز زیارت بخوانیم.

آثار و برکات زیارت:

- ۱ به امامان و فرزندان‌شان احترام می‌گذاریم.
- ۲ از زحماتی که برای هدایت ما کشیده‌اند قدردانی می‌کنیم.
- ۳ با آن‌ها پیوند دوستی برقرار می‌کنیم.
- ۴ خدا در بهشت به ما پاداش می‌دهد.

معرفی:

- ♦ در مدینه به دنیا آمد.
- ♦ پسر بزرگ امام موسی کاظم(ع) بود.
- ♦ برادر امام رضا(ع) و حضرت معصومه(ع) بود.
- ♦ اسم اصلی ایشان **احمد بود** و لقب ایشان شاهچراغ است که داستان جالبی دارد.(در صفحه‌ی بعد بخوانید).
- ♦ برای دیدار برادرشان، امام رضا(ع) به همراه تعدادی از یاران و نزدیکانشان به ایران آمدند. در نزدیکی شهر شیراز، حاکم شیراز که دست نشانده‌ی مأمون، خلیفه‌ی ستمگر عباسی، و از دشمنان اهل بیت بود، با سپاهی بزرگ به جنگ ایشان رفت. پس از نبردی نابرابر و طولانی حضرت شاهچراغ و یارانش به شهادت رسیدند.
- ♦ شهادت ایشان تقریباً یکسال بعد از وفات خواهر گرامیشان، حضرت معصومه(ع) اتفاق افتاد.
- ♦ مرقد و زیارتگاه ایشان در شهر شیراز قرار دارد.

برخی خصوصیات حضرت شاهچراغ:

- ۱ دانا بود و به مسائل دینی آگاهی کامل داشت و به مردم در مورد احکام و مسائل دینی کمک می‌کرد.
- ۲ خط زیبایی داشت و قرآن را با خط خوش می‌نوشت و به مردم می‌داد.
- ۳ بسیار بخشنده بود به طوریکه زمین بزرگی داشت که آن را فروخت و پولش را به نیازمندان داد.
- ۴ بسیار شجاع و دلیر بود. به طوریکه از تعداد زیاد دشمنان نترسید و تا آخرین لحظه، شجاعانه با آنها جنگید.

چریان شاهچراغ
تنها جهت مطالعه آزاد

تا بیش از صد سال پس از شهادت حضرت شاهچراغ کسی از محل دفن ایشان اطلاعی نداشت و روی قبر ایشان را تپه‌ای گلی پوشانده بود که در اطراف آن، مردم خانه ساخته بودند و زندگی می‌کردند بدون اینکه از وجود قبر این امامزاده در آنجا مطلع باشند. پیرزنی در پایین آن تپه، خانه‌ای گلی داشت و در هر شب جمعه، بعد از نیمه‌های شب می‌دید که چراغی پرنور در بالای تپه می‌درخشد و تا طلوع صبح روشن است، چند شب جمعه مراقب بود، و هر بار این اتفاق تکرار می‌شد. پیرزن با خود فکر کرد شاید در این مکان، مقبره‌ی یکی از امامزادگان باشد، بهتر است که به امیر عضدالدوله خبر بدهم. (در درس اجتماعی در مورد عضدالدوله دیلمی خوانده بودیم که بیمارستانی در بغداد ساخته بودند که داروخانه هم داشت. یادتان هست؟ خوب است بدانید که ایشان شاه بسیار عادل بودند). فردای آن روز پیرزن به همین منظور به کاخ امیر عضدالدوله دیلمی رفت و آنچه را دیده بود بیان کرد. امیر و حاضرین از سخنان او تعجب کردند. درباریان که این موضوع را باور نکرده بودند، هر کدام به سلیقه خود چیزی گفتند. اما امیر که مردی عادل بود گفت: "اولین شب جمعه شخصاً به خانه پیرزن می‌روم تا موضوع را بررسی کنم." بنابراین شب جمعه شاه به خانه پیرزن آمد و دور از خدمتگزارانش آنجا خوابید. قبل از خواب به پیرزن گفت هر وقت چراغ روشن شد من را بیدار کن. درست در همان زمان همیشگی پیرزن روشنایی پرنوری، قوی تر از شب‌های جمعه قبلی مشاهده کرد و از شدت تعجب و هیجان که به او دست داده بود بالای سر امیر عضدالدوله آمد و بی‌اختیار سه مرتبه فریاد زد: «شاه! چراغ، شاه! چراغ، شاه! چراغ». به این ترتیب وقتی پس از بررسی معلوم شد که این مکان محل دفن احمد، برادر بزرگ امام رضا(ع) بوده، دیگر به ایشان شاهچراغ می‌گفتند.



زُهنّت پویا و خلاق باد

پسر